



ISSN:2588-7033



## The Status of Kapıkulus in the Ottoman Disciplinary Structure Until the Rise of Zaptiye

Taher Babaei <sup>a\*</sup>

<sup>a</sup> Assistant Professor, Department of History and Civilization of Muslim Nations, Faculty of Theology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

### KEYWORDS

Ottoman rule,  
Kapıkulu,  
Janissary,  
disciplinary  
organization

Received: 08 November 2023;  
Accepted: 08 April 2024

Article type: Research Paper  
DOI:10.22034/hsow.2024.2015329.1513

### ABSTRACT

Kapıkulus or the slaves of the Ottoman court were the most important actors of Ottoman administration that although their military duties have become more visible, they gained a lot of influence in other sectors as well. The main question of this study is that given the totalitarian spirit of the Kapıkulus (especially in the Ottoman capital), until the establishment of Zaptiye or the Ottoman police and the extinction of Kapıkulus, what policy this group adopted regarding law enforcement and security duties. Based on this question, this research aimed to investigate the status of Kapıkulus in the Ottoman disciplinary organization until the establishment of Zaptiye, using a descriptive-analytical method based on data from library sources. The findings of the research show that Cebeci, Topçu and Bostancı were more than anything else active in the deployment centers of their forces in Istanbul, and in this respect, they operated with limitations compared to the Janissaries. Unlike the previous three groups, the Janissaries were able to dominate most of the security and disciplinary departments of the capital and even the states, and this dominance continued until the extinction of the Janissaries and the rise of the Ottoman police or Zaptiye.

\* Corresponding author.

E-mail address: [taherbabaei@um.ac.ir](mailto:taherbabaei@um.ac.ir)

2024 Published by Arak University Press. All rights reserved..





## جایگاه قاپی قولوها در ساختار انتظامی عثمانی تا ایجاد ضبطیه

طاهر بابائی الف\*

الف استادیار، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، [taherbabaei@um.ac.ir](mailto:taherbabaei@um.ac.ir)

چکیده	واژگان کلیدی
<p>قاپی قولوها یا غلامان دربار عثمانی، مهم‌ترین نقش‌آفرینان ساختار حکومتی عثمانی بودند که اگرچه جایگاه و وظایف نظامی آنان نمود بیشتری یافته است، در بخش‌های دیگر نیز نفوذ چشمگیری یافتند. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که با توجه به روحیه‌ی تمامیت‌خواهانه‌ی قاپی قولوها (به‌ویژه در پایتخت عثمانیان)، تا برآمدن نیروی ضابطیه یا پلیس عثمانی و کناررفتن قاپی قولوها، این گروه نسبت به وظایف انتظامی و امنیتی، چه رویه‌ای را اتخاذ کردند؟ بر اساس این پرسش، تلاش خواهد شد تا با توجه به توصیفی - تحلیلی بودن نوع پژوهش حاضر، با تکیه بر مطالعه‌ی کتابخانه‌ای، به بررسی جایگاه قاپی قولوها در تشکیلات انتظامی عثمانی تا برآمدن نهاد ضابطیه به عنوان مسأله‌ی پژوهش پرداخته شود. با بررسی داده‌ها، مشخص شده است که سه گروه جبه‌جیان، توپچیان، بوستانچیان بیش از هر چیز در حوزه‌ی انتظامی مراکز استقرار نیروهای خود در استانبول فعال بودند و از این حیث، نسبت به بنی‌چریان با محدودیت‌هایی، فعالیت می‌کردند. بنی‌چریان، بر خلاف سه دسته‌ی پیشین، توانستند با قدرت، بر غالب بخش‌های امنیتی و انتظامی پایتخت و حتی ایالات چیره شوند که این چیرگی، تا زمان برچیده شدن بنی‌چریان و متعاقب آن، برآمدن پلیس عثمانی یا ضابطیه تداوم داشت.</p>	<p>حکومت عثمانی، قاپی قولوها، بنی‌چریان، تشکیلات انتظامی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰ مقاله علمی پژوهشی</p>

### مقدمه

حکومت عثمانی از قرن هشتم هجری به مدت تقریباً ششصد سال، بر بخش‌های وسیعی از جهان در سه قاره حکومت راند و توانست ساختار حکومتی گسترده و مستحکمی را ایجاد کند که در بخش‌های مختلف نظامی، درباری، اداری و مالی ویژگی‌های خاص خود را داشته باشد. عثمانیان در آغاز کار با تکیه بر عنصر غذا و بهره‌گیری از غازیان مهاجر، مزدوران نظامی و نیروهای عشیره‌ای به سرزمین‌گشایی دست زدند. به‌رغم توفیق اولیه، عثمانیان آگاه بودند که ایجاد حکومتی با ثبات که بتواند به شکل مستمر گسترش یابد، نیازمند اتکا بر ارتشی قدرتمند است؛ و نیروهای نامنظم ایلی و عشیره‌ای که غالباً به سبب کسب غنائم یاری‌گر عثمانیان بودند، نمی‌توانند پاسخگوی نیاز و برآورنده‌ی اهداف آنان باشند (Sofyalı Ali Çavuş, 1992: 17-24). از سویی، دشواری‌های برآمده از به‌کارگیری سریع نیروهای نامنظم عشیره‌ای و مهار آنان، عثمانیان را به سوی داشتن ارتش ثابت و منظم رهنمون می‌ساخت. از این رو، در زمان اورخان غازی (حک: ۷۲۷-۷۶۲ق)، به توصیه‌ی علاءالدین قره‌خلیل پاشای وزیر اعظم، در کنار سواره‌نظام عشیره‌ای، سپاه جدیدی به کار گرفته شد که می‌توانست جایگزین دیگر گروه‌های نامنظم و مقطعی باشد (اوزون چارشیلی، ۱۳۸۰: ۱/ ۶۰۶؛ Faroghi, 2004: 301).

نیروی نظامی جدید، متشکل از جوانان مسلمان و مسیحی بودند که به صورت پیاده‌نظام و سواره‌نظام فعالیت می‌کردند. گروه پیاده‌نظام، «یایا» نام داشت که در لغت به معنی «پیاده» است و گروه دیگر، «مسلم» خوانده می‌شدند که سواره‌نظام بودند و به سبب

معافیت از مالیات، مسلّم نام گرفته بودند (شوکت، ۱۳۲۵: ۱/ ۱۰؛ اوزون چارشیلی، ۱۳۸۰: ۱/ ۶۰۶؛ شاو، ۱۳۷۰: ۱/ ۶۱). گروه یایا، به دسته‌های ده، صد و هزار نفره تقسیم می‌شدند که به ترتیب زیر فرمان اون‌باشی، یوزباشی و مین‌باشی قرار داشتند. نیز مسلّم‌ها در گروه‌های سی نفره انتظام یافته بودند (اوزون چارشیلی، ۱۳۸۰: ۱/ ۱۳۸). تشکیلات یایا و مسلّم، از عوامل مهم پیروزی‌های اولیه‌ی عثمانی به شمار می‌رفتند، اما با تشکیل سپاه قاپی‌قولو یا غلامان دربار، و تمامیت‌خواهی آنان، این گروه به حاشیه رانده شده و به عنوان نیروهای کم‌اهمیت، به خدمات پشت جبهه منتقل شدند. این توسعه‌طلبی و انحصارطلبی قاپی‌قولوها، در بخش‌های مختلف حکومتی نیز به شکل کنار زدن رقبا و تصدی مقامات نظامی و غیر نظامی نمود یافت. در این میان، ساختار انتظامی متقدم عثمانی که قربت بیشتری با وظایف نظامی قاپی‌قولوها داشت، می‌توانست نسبت به سایر بخش‌ها، تأثیر پذیری بیشتری را تجربه کند و بیشتر در خطر اضمحلال قرار گیرد. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که با توجه به روحیه‌ی تمامیت‌خواهانه‌ی قاپی‌قولوها (به خصوص در پایتخت عثمانیان یعنی استانبول)، تشکیلات انتظامی عثمانیان چه وضعیتی داشت؛ و قاپی‌قولوها، تا برآمدن نیروی ضبطیه یا پلیس تخصصی عثمانی، نسبت به وظایف انتظامی و امنیتی، چه رویه‌ای را اتخاذ کردند. بر اساس این پرسش، تلاش خواهد شد تا به بررسی «جایگاه قاپی‌قولوها در تشکیلات انتظامی عثمانی تا برآمدن نهاد ضبطیه» به عنوان مساله‌ی پژوهش پرداخته شود و با تکیه بر منابع، به پرسش تحقیق پاسخ منطقی و علمی داده شود. گفتنی است، برای بررسی فراگیر و علمی موضوع، مقامات و گروه‌های غیر قاپی‌قولوی فعال در حوزه‌ی انتظامی نیز بررسی خواهد شد.

موضوع حاضر در منابع فارسی، ترکی و انگلیسی به شکل مستقل و به تفصیل پژوهش نشده است. در غالب آثاری نیز که در زمینه‌ی قاپی‌قولوها نوشته شده، از بُعد نظامی به آنان پرداخته شده و وظایف و جایگاه انتظامی آنان کاملاً به حاشیه رانده شده است. از میان آثار اینچینی، می‌توان به کتاب اوجاق‌های قاپی‌قولو در تشکیلات دولت عثمانی<sup>۱</sup> اشاره کرد که به دست اسماعیل حقی اوزون چارشیلی نوشته شده و به نوعی برجسته‌ترین پژوهش تخصصی در زمینه‌ی قاپی‌قولوهاست؛ که در دو جلد به بررسی دسته‌های پیاده‌نظام و سواره‌نظام قاپی‌قولو پرداخته، اما وظایف انتظامی آنان لحاظ نشده است. پژوهش‌های متعدد دیگری نیز وجود دارد که به تشکیلات نظامی عثمانیان پرداخته‌اند و در وضعیتی مشابه، وظایف انتظامی مورد توجه قرار نگرفته است. پطروسیان، در بخش تشکیلات نظامی دایره‌المعارف عثمانی به بررسی سپاه ینی‌چریان به عنوان مدخل تحولات تشکیلات نظامی عثمانی پرداخته و متناسب با عنوان و موضوع، بر موضوعات نظامی ینی‌چریان تمرکز داشته است.<sup>۲</sup> همچنین، او یار و اریکسن در کتاب تاریخ نظامی عثمانی از عثمان تا آتاترک، به سیر تحولات تشکیلات نظامی عثمانی با تأکید بر ارتش عثمانیان به پژوهش پرداخته‌اند که همانند پژوهش پیشین، اما به شکل کلی‌تر، بر موضوعات نظامی تأکید دارد.<sup>۳</sup>

همچنین آثاری که در خصوص نیروی انتظامی عثمانی نوشته شده است، به بررسی این نیرو پس از ایجاد ضبطیه و برافتادن قاپی‌قولوها تمرکز دارند که نمونه‌های آن بسیار است. احمد اصلان در مقاله‌ای به ایجاد تشکیلات پلیس عثمانی پرداخته است که با

<sup>۱</sup> Uzunçarşılı, İsmail Hakkı (1988). *Osmanlı devleti teşkilatından kapukulu ocakları*. Ankara: Türk Tarih Kurumu.

<sup>۲</sup> Petrosyan, Irina (1999). "Osmanlı İmparatorluğu'nda Askeri Reformlar Konusunda İlk Girişim: XVI. Yüzyılın Sonu ile XVII. Yüzyılın Başında Yeniçeri Ocağı", in *Osmanlı Andiklopedisi*, vol. 6. Ankara: Yeni Türkiye yayınları.

<sup>۳</sup> Uyar, Mesut & Edward J. Erickson (2009). *A Military History of the Ottomans: From Osman to Atatürk*, California: Praeger.

وجود ارتباط موضوعی، به شکل مطالعه‌ی موردی تنها شهر اورفا را برگزیده که آن نیز رویدادهای بین سال‌های ۱۸۴۵ تا ۱۹۱۸م. را در بر می‌گیرد.<sup>۱</sup> اثر دیگری که به موضوع این پژوهش نزدیکی دارد، آسایش و امنیت در استانبول ۱۸۷۹ تا ۱۹۱۹م. است که از دوره‌ی تاریخی پژوهش حاضر خارج است.<sup>۲</sup> مقاله‌ی دیگر از علی صنومز است که به تحولات امنیت داخلی دولت عثمانی اختصاص دارد که به شکل جزئی، به نیروی ژاندارم تشکیلات ضابطیه پرداخته است.<sup>۳</sup> مؤلف در مقاله‌ی دیگری، به بررسی قواعد و آیین‌نامه‌ی نهاد ضابطیه عثمانی دست زده است که از لحاظ دوره‌ای، خارج از موضوع پژوهش حاضر است.<sup>۴</sup> سرانجام می‌توان از مقاله‌ی ضابطیه در دایره‌المعارف اسلام چاپ ترکیه<sup>۵</sup> و مقاله‌ی ضابطیه در دانشنامه جهان اسلام<sup>۶</sup> نام برد که به‌رغم مقدمه‌ی اولیه‌ی مرتبط با پژوهش حاضر، در بررسی بدنه‌ی اصلی، از دایره‌ی پژوهش حاضر بیرون قرار می‌گیرند.

## ۱. وضع انتظامی عثمانی پیش از قدرت‌گیری قاپی‌قولوها

حکومت عثمانی تا برآمدن محمد فاتح (حک: ۸۵۵ - ۸۸۶ق.) و فتح قسطنطنیه، با به‌کار گماری گروه‌های متعدد، به تأمین امنیت و حفظ انتظام امور سرزمین خود دست می‌زد که شناخته‌شده‌ترین و مهم‌ترین آنها، مقام صوباشی/ صوباشی<sup>۷</sup> بود. عثمانیان در آغاز کار، جهت اداری هر شهری که به دستشان فتح می‌شد، علاوه بر قاضی و دزدار (=دژدار/ قلعه‌بان)، یک صوباشی نیز می‌گماردند که نشانه‌ی تسجیل فتح شهر بود (Açık, 2016: 138; Bektaş Öztaşkin, 2008: 75; ; İlgiürel, 2009: 37/ 447). در رأس وظایف صوباشی، محافظت از شهر و تأمین امنیت مردمان قرار داشت (İlgiürel, 2009: 37/ 447). مواردی چون تفتیش و تجسس از مجرمان، انجام برخی از امور زندان<sup>۸</sup> و شکنجه‌گاه‌ها، امور نظافت شهری، نظارت بر بناهای شهری، نظارت بر پوشش مردمان، معالجات، دخانیات و امور مربوط به پزشکی، رسیدگی به نرخ‌ها و گشت‌زنی در بازار و محلات، امور گمرکات و دلال‌ها و بسیاری از مشاغل، حضور در مراسم درباری نظیر پذیرش سفیر خارجی، ازدواج و شرکت سلطان در مسجد جامع برعهده‌ی صوباشیان بود (شوکت، ۱۳۲۵: ۶۰/ ۱؛ Bektaş Öztaşkin, 2008: 26, 75; İlgiürel, 2009: 37/ 447- 448). برای انجام این امور، افرادی صوباشی را همراهی می‌کردند که در صورت لزوم به جنگ نیز اعزام می‌شدند (شوکت، ۱۳۲۵: ۶۰/ ۱). به سبب

<sup>۱</sup> Aslan, Ahmet(2020). "Osmanlı Devleti'nde Polis Teşkilatının Kurulması: Urfa Örneği (1845-1918)", *Yakın Dönem Türkiye Araştırmaları*, no: 38. 25- 58.

<sup>۲</sup> Lévy-Aksu, Noémi(2017). *Osmanlı İstanbulu'nda Asayiş 1879 – 1909*, tr: Serra Akyüz, İstanbul: İletişim Yayınları.

<sup>۳</sup> Sönmez, Ali(2012). "Osmanlı Devleti'nde İç Güvenliğin Dönüşümü: Zaptiye Teşkilatından Jandarmaya", *38.İCANAS (International Congress of Asian and North African Studies)*, vol.6, 2855-2865;

<sup>۴</sup> Sönmez, Ali(2006). "Zaptiye Teşkilatının Düzenlenmesi (1840-1869)", *Ankara Üniversitesi Dil ve Tarih-Coğrafya Fakültesi Tarih Bölümü Tarih Araştırmaları Dergisi*, no. 39. 199- 219;

<sup>۵</sup> Özcan, Abdülkadir(1990). "Zaptiye", *Türkiye Diyanet Vakfı İslam ansiklopedisi (TDVİA)*, İstanbul: Türkiye Diyanet Vakfı Yayınları İşletmesi, vol 44, 128- 130.

<sup>۶</sup> بابائی، طاهر(۱۴۰۱). «ضابطیه»، دانشنامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی، ج ۳۰، صص ۳۲۱-۳۲۲.

<sup>۷</sup> صو/ سو= آب، باشی= سر، به معنی «میرآب» که به مرور زمان به مسئول ضبط و ربط امور برخی مناطق اطلاق شد (سامی، ۱۳۱۷، ۲/ ۸۳۶-۸۳۷).

<sup>۸</sup> زندان در میان عثمانیان علاوه بر این نام با اسامی دیگری نظیر حبسخانه، طومروق دایره‌سی، مهترخانه و نظایر اینها مورد استفاده بود. در استانبول برخی از بناهای بیزانسی نظیر قلعه‌ی ایمناس به عنوان زندان استفاده می‌شد. «بدی‌قوله» نیز از مشهورترین زندان‌های عثمانی بود که شخصیت‌های برجسته نظیر وزیران و سفیران و مقامات حکومتی در آنجا زندانی می‌شدند. نیز قلعه‌ی سدالبحور و زندان باباجعفر برای جرایم متداول بین مردم عادی مورد استفاده بوده است (Pakalın, 1971: 3/ 663).

جلوگیری از فساد و تعدی به مردم، صوباشیان از دریافت مواجب از مردم، بازداشته می‌شدند و در ازای ایفای وظایف، از صاحبان تیمار<sup>۱</sup> و زعامت<sup>۲</sup> به شمار می‌آمدند که از درآمد زمین‌ها بهره‌مند می‌شدند (İlgiirel, 2009: 37/ 447; Bektaş Öztaşkin, 2008: 75; Açık, 2016: 138- 139). پس از دوره‌ی محمد فاتح، به سبب قدرت‌گیری گروه‌های نظامی، از اهمیت این مقام کاسته شد؛ با وجود این، این مقام به شکل محدود و با قدرت اندک، تا اواخر دوره‌ی عثمانی به حیات خود ادامه داد (İlgiirel, 2009: 37/ 448)، اما وظایف مربوطه توسط گروه‌های دیگر انجام می‌گرفت؛ و سرانجام، امور انتظامی به شکل پلیس شهری و ژاندارمری پس از برچیده شدن پنی‌چریان در سال ۱۲۴۱ق.، با برآمدن «عساکر ضبطیه» در ۱۲۵۵ق.، به شکل نو و مدرن پیگیری شد (بابائی، ۱۴۰۲: ۳۰/ ۳۲۱؛ Sönmez, 2006: 202).

## ۲. قاپی‌قولوها: ایجاد و شاخه‌ها

پس از گسترش قلمرو عثمانی و شتاب‌گیری فتوح، لزوم داشتن ارتشی قدرتمند احساس شد که باید با اتخاذ سیاست‌هایی، نیروی انسانی آن تأمین می‌شد؛ زیرا عثمانیان، برای توسعه و پایداری فتوح در روم‌ایلی (بخش اروپایی قلمرو عثمانی) و استقرار دائمی در آنجا، با کمبود نیرو مواجه بودند (Uzunçarşılı, 1988 a: 1/ 145). نخستین روش تأمین نیرو، نظام پنچک/ پنچیک<sup>۳</sup> بود که بر اساس آن، یک پنجم از اسیران غیر مسلمان که به عنوان خمس غنائم به سلطان سپرده می‌شدند، پس از آموزش و آماده‌سازی، به گروه‌های نظامی ملحق می‌شدند. این قانون که گویا کاربست آن به آغاز حکومت مراد اول (حک: ۷۶۳-۷۹۱ق.) باز می‌گشت، به رغم سهل الوصول بودن، برای یارگیری نظامی در شمار بالا چندان فایده‌مند نبود (Uzunçarşılı, 1988 a: 1/ 7- 10; Pakalın, 1971: 1/ 679, 2/ 766). دیگر روشی که عثمانیان به کار گرفتند و بر اساس آن، توانستند کمبود نیروی انسانی در حوزه‌های مختلف را مرتفع سازند، نظام «دوشیرمه»<sup>۴</sup> بود؛ که به فرایند گردآوری کودکان هفت یا هشت ساله‌ی مناطق مسیحی تحت فرمان عثمانیان اطلاق می‌شد که جهت تربیت به دسته‌های مختلف سپرده می‌شدند. اینان به دو شکل تعلیم می‌شدند: شماری به کشاورزان و روستاییان مسلمان سپرده می‌شدند تا ضمن زندگی و مهارت آموزی، آداب مسلمانی و زبان ترکی را فرا گیرند (Uzunçarşılı, 1988 c: 465). گروه دیگر، به اوجاق<sup>۵</sup> یا کانون «عجمی»<sup>۶</sup> سپرده شده و از این رو، «عجمی‌اوغلانی» خوانده می‌شدند. (شوکت، ۱۳۲۵: ۴/ ۱؛ جوادپاشا، ۱۲۹۹: ۷/ ۱؛ قوجی‌بک، ۱۲۷۷: ۷؛ Uzunçarşılı, 1988 a: 1/ 14, 17; Pakalın, 1971: 1/ 447). آموزش‌هایی که به عجمی‌اوغلان‌ها داده می‌شد، شامل احکام اسلامی، زبان ترکی، استفاده از سلاح و انجام خدمات مختلف درباری بود (شوکت، ۱۳۲۵: ۴/ ۱؛ جوادپاشا، ۱۲۹۹: ۷/ ۱). اینان پس از آموزش‌های اولیه، متناسب با توانمندی‌هایشان گزینش شده و در بخش‌های مختلف اداری، درباری و نظامی استقرار می‌یافتند (شوکت، ۱۳۲۵: ۴/ ۱؛

<sup>۱</sup> تیمار، زمین‌هایی با درآمد کمتر از ۲۰ هزار آقچه در سال.

<sup>۲</sup> زعامت، زمین‌هایی با درآمد بین ۲۰ هزار تا ۱۰۰ هزار آقچه در سال.

<sup>۳</sup> Pençik، برگرفته از پنچیک فارسی.

<sup>۴</sup> Devşirme، برگرفته از «دوشیرمک» ترکی به معنی گردآوری کردن.

<sup>۵</sup> Ocak، به معنی نهاد و بنیاد

<sup>۶</sup> Acemi، به معنی کم‌تجربه و تازه‌کار

جوادپاشا، ۱۲۹۹: ۱/ ۱۷۴-۱۷۵). پس از گزینش غلامان یا «قول»هایی که در زمینه‌های دیوانی و یا درباری مستعد بودند، سایر غلامان را که توانمندی ایفای وظیفه در آن دو بخش را نداشتند، به دسته‌های نظامی گسیل می‌داشتند که قاپی‌قولو/ قپوقلی<sup>۱</sup> خوانده می‌شدند و نیروی ثابت و دائمی مواجب‌بگیر مرکز حکومت بودند. این نیرو، مجموعه‌ای از گروه‌های نظامی مرکز حکومت (استانبول) تلقی می‌شد که با نیروهای ایالتی که توسط بیگلربیگی‌ها و سنجاق‌بیگی‌ها تأمین می‌شدند، کل سپاه عثمانی را در بر می‌گرفتند (شاو، ۱۳۷۰: ۱/ ۲۲۲؛ Uzunçarşılı, 1988 d: 1/ 605). استفاده از قانون دوشیرمه، در سده‌ی دهم هجری، اهمیت خود را از دست داد و فرزندان پنی‌چریان در گروه‌های مختلف استخدام شدند (شوکت، ۱۳۲۵: ۱/ ۱۴۱؛ ۴/ ۱۴۱، ۱۳۲۵). (Uzunçarşılı, 1988 a: 1/ 141).

قاپی‌قولوها به طور کلی به دو دسته‌ی سواره‌نظام و پیاده‌نظام تقسیم می‌شدند. گروه سواره‌نظام شامل دسته‌های سلحدار<sup>۲</sup>، سپاه<sup>۳</sup>، علوفه‌چیان<sup>۴</sup> یمین (صاغ علوفه‌چیلر) و علوفه‌چیان یسار (صول علوفه‌چیلر) و غربای<sup>۵</sup> یمین (صاغ غربا بلوکی) و غربای یسار (صول غربا بلوکی) بودند که «آلتی‌بلوکلر» یا دسته‌های شش‌گانه خوانده می‌شدند و به شکل مشترک، وظیفه‌ی محافظت از سلطان و حراست از چادر سلطان را در لشکرکشی‌ها بر عهده داشتند (شوکت، ۱۳۲۵: ۱/ ۱۳۶؛ ۲/ ۱۳۶). (Uzunçarşılı, 1988 a: 2/ 136). مهم‌ترین بخش قاپی‌قولوها، بخش پیاده‌نظام بود که گروه‌هایی نظیر عجمی اوغلان‌ها، پنی‌چریان، جبه‌چیان، توپ‌چیان، توپ آراباچیان<sup>۶</sup> و خمبره‌چیان<sup>۷</sup> را در بر می‌گرفت (شوکت، ۱۳۲۵: ۱/ ۱۳۷؛ ۲/ ۱۳۷). (Uzunçarşılı, 1988 a: 2/ 137). گروه سواره‌نظام با شمار محدود، غالباً نقش محافظت از سلطان را در موسم لشکرکشی بر عهده داشتند و اقتدارشان بسیار فروتر از دسته‌های پیاده‌نظام بود (وفیق‌بک، ۱۳۲۸: ۱/ ۲۳۴، ۲۳۵؛ ۲/ ۱۳۷، ۱۴۶، ۱۵۲). (Uzunçarşılı, 1988 a: 2/ 137, 146, 152). در میان این پیاده‌نظامان عثمانی، چندین بخش به شکل برجسته به وظایف انتظامی اشتغال داشتند و دیگر مقامات انتظامی عثمانی را - به طور اخص در مرکز حکومت - به حاشیه راندند.

### ۳. ورود قاپی‌قولوها به حوزه‌ی تأمین امنیت پایتخت

انتظام و تأمین امنیت استانبول به عنوان پایتخت و مظهر قدرت و شکوه عثمانیان، بیشترین اهمیت را در ساختار انتظامی عثمانی داشت؛ چرا که در صورت وقوع شورش در این شهر به سبب جمعیت فراوان نسبت به دیگر شهرها و استقرار سازمان‌های حکومتی در آن، بنیان حکومت عثمانی به خطر افکنده می‌شد. از این رو، گروه‌های متعددی در پی تأمین امنیت آن برآمدند. قاپی‌قولوها که هر یک به بخش‌های متعددی تقسیم می‌شدند، در راه اعمال قدرت و نمایش استقلال خود، در مناطق مختلف استانبول استقرار یافته بودند. این گروه‌ها برای حفظ استقلال خود و جلوگیری از حضور دیگر گروه‌های نظامی در نزدیکی مراکز استقرارشان، با اختیار تام به امور انتظامی مناطق اطراف خود رسیدگی می‌کردند و تأمین امنیت محلات مجاور را بر عهده داشتند.

<sup>۱</sup> Kapukulu/ Kapıkulu، قپو/ قاپی = دربار، قلی/ قولو = غلام = غلام دربار

<sup>۲</sup> گروهی که ابتدا وظیفه‌ی حمل سلاح سلطان را بر عهده داشتند، اما وظیفه‌ی محافظت از سلطان بر وظایف پیشین چیره بود.

<sup>۳</sup> نام خاص برای گروهی از محافظان سلطان. منابع در خصوص وجه تسمیه‌ی آنان، داده‌ای ارائه نکرده‌اند.

<sup>۴</sup> علوفه به معنی دستمزد و مواجب بوده و علوفه‌چی، مسئول پرداخت این مواجب، اما ارتباط این نامگذاری با گروه حاضر در میان قاپی‌قولوها دانسته نیست.

<sup>۵</sup> غربا، در عصر متقدم عثمانی، به افرادی اطلاق می‌شد که جهت جهاد با کفار به قلمرو عثمانیان مهاجرت کرده بودند. به مرور زمان، این گروه با عضوگیری از غلامان، وظیفه‌ی حفاظت از چادر سلطان را عهده‌دار شدند.

<sup>۶</sup> اربچه‌چیان توپ، مسئولان انتقال توپ‌های جنگی به محل نبرد.

<sup>۷</sup> = خمپاره‌چیان. مسئول هدف قرار دادن مواضع غیر قابل دید و یا به وسیله ابزارهای نام «خمبره».

یکی از اینان، جبه‌جی‌ها<sup>۱</sup> یا جبجی‌ها بودند (برای اطلاع از اشکال نگارش اسامی، نک: عین علی افندی، ۱۲۸۰: ۹۰؛ قوجی بک، ۱۲۷۷: ۷)؛ که نامشان برگرفته از جبه به معنی جوشن و لباس نظامی بود و وظیفه‌ی نگهداری و مراقبت از زرادخانه‌ی عثمانی و انتقال آن به میدان نبرد و توزیع میان نظامیان را بر عهده داشتند (شوکت، ۱۳۲۵: ۴/۱، ۲۴؛ Uzunçarşılı, 1988a: 2/3; Pakalın, 1971: 1/ 261-262). در آورته‌های<sup>۲</sup> جبه‌جیان، گروه‌های متعددی نظیر سلاح‌سازان، تعمیرکاران ادوات نظامی، خمبره‌جیان، لغم‌جیان<sup>۳</sup> و باروت‌جیان حضور داشتند (Uzunçarşılı, 1988a: 2/ 8, 10, 14; Pakalın, 1971: 1/262). همه‌ی جبه‌جیان زیر فرمان جبه‌جی‌باشی قرار داشتند. این فرمانده، علاوه بر رسیدگی به امور نظامی و اداری جبه‌جیان، به امور انتظامی متعددی نیز اشتغال داشت. او به همراه جبه‌جیان زیردستش، مسئول محافظت از جبه‌خانه‌های ایالات و قلاع (Uzunçarşılı, 1988 a: 2/ 5; Marsilli, 1934: 89) و مامور تأمین امنیت و آسایش کاخ استانبول بودند (Pakalın, 1971: 1/263). همچنین، انتظام امور محلاتی همچون ایاصوفیه، خواجه‌پاشا، آخورقاپی و اطراف آن که به مقر جبه‌جیان نزدیک بود، بر عهده‌ی او قرار داشت (Uzunçarşılı, 1988 a: 2/ 10; Pakalın, 1971: 2/ 320).

دیگر گروه از قاپی‌قولوهای فعال در امور انتظامی، توپ‌جیان بودند. عثمانیان مقارن حکومت مراد اول (حک: ۷۶۳-۷۹۱ق.) و طی نبرد کوزوو یا قوصوه‌ی اول، برای نخستین بار از توپ جنگی بهره بردند و پس از آن، گروهی ایجاد شد که به امور توپ‌های جنگی اشتغال یافته و دو وظیفه‌ی توپ‌ریزی (ساخت توپ) و توپ‌اندازی را بر عهده داشتند. اینان «اوجاق توپ‌جیان» را به عنوان یکی از بخش‌های پیاده‌نظام قاپی‌قولوها تشکیل می‌دادند (شوکت، ۱۳۲۵: ۵/۱، ۱۰؛ قوجی بک، ۱۲۷۷: ۷؛ Pakalın, 1971: 3/512). فرمانده توپ‌جیان، طوپ‌جی‌باشی / طوپ‌جی‌آغاسی / سردار طوپ‌خانه و یا سرتوپی نام داشت که بیش از هر چیز توپ‌چی‌باشی خوانده می‌شد. اوجاق توپ‌جیان و کارخانه‌ی توپ‌سازی عثمانی (طوپ‌کارخانه‌سی) که در عصر سلیمان قانونی (حک: ۹۲۶-۹۷۴ق.) توسعه یافت و متشکل از قلعه‌ای محصور با دیوارهای بلند در دامنه‌ی کوهی مشرف به ساحل بود (اولیاچلی، ۱۳۱۴: ۱/ ۴۳۶؛ Uzunçarşılı, 1988 a: 2/ 39)، مهم‌ترین توپخانه‌ی عثمانی محسوب می‌شد و «طوپخانه‌ی عامره» نام گرفته بود (Pakalın, 1971: 3/ 514). این توپخانه، در استانبول از سوی توپ‌جیان محافظت می‌شد. از این رو، امور امنیتی و انتظامی و تأمین امنیت مناطق اطراف اوجاق و کارخانه در شهر استانبول و مناطق مجاور نظیر محله‌ی بک‌اوغلی<sup>۴</sup> از سوی توپ‌چی‌باشی رسیدگی می‌شد (Marsilli, 1934: 88; Pakalın, 1971: 2/ 320; Uzunçarşılı, 1988 a: 2/ 59).

دیگر گروهی که همانند توپ‌جیان و جبه‌جیان به امور انتظامی مناطق اطراف محل استقرار خود رسیدگی می‌کرد، بوستان‌جیان بودند که زیر فرمان بوستان‌جی‌باشی قرار داشتند. بوستان‌جیان در اوایل حکومت عثمانی از میان عجمی‌اوغلان‌ها، گزینش می‌شدند و برای رسیدگی به امور بستان‌های کاخ‌های استانبول، ادرنه و گلیبولی و باغ‌های ساحلی استخدام می‌شدند (شوکت، ۱۳۲۵: ۱/ ۵۹؛ Uzunçarşılı, 1988 c: 465; Uzunçarşılı, 1988 a: 1/ 65). اینان که می‌توانستند به بخش سواره‌نظام قاپی‌قولوها

<sup>۱</sup> Cebeciler

<sup>۲</sup> Orta، = دسته/ بلوک

<sup>۳</sup> Lağımçılar، مسئولان نقب زدن در هنگام محاصره

<sup>۴</sup> Beyoğlu

ارتقا یابند (Uzunçarşılı, 1988 c: 466)، به مرور زمان به یک اوجاق نظامی (عسکر اوجاگی) زیر فرمان بوستانجی‌باشی بدل شدند (شوکت، ۱۳۲۵: ۱/۵۹). وظایف انتظامی بوستانجی‌باشی را می‌توان در تأمین امنیت و آسایش مردم محلات اُسکدار، ایوب، کاغذخانه، دو سوی بوغازایچی، پشیل‌کوی، جزیره‌ها، قاضی‌کوی تا پل بوستانجی استانبول مشاهده کرد (Pakalın, 1971: 2/ 320). نیز حراست از کاخ و اطراف آن، سواحل مرمره و خلیج استانبول و گاه سواحل دریای سیاه، بررسی ساخت و سازها در سواحل، بررسی آبراهه‌ها و جنگل‌ها و حومه‌ی استانبول، رسیدگی به امور قضایی نظیر همکاری در عزل، تبعید یا اعدام صدراعظم، نظارت بر اعدام رجال دولتی و سرانجام، شکنجه و بازجویی از زندانیان محبوس در زندان بوستان دربار، از مسئولیت‌های بوستانجی‌باشی به شمار می‌رفت (Uzunçarşılı, 1988 c: 475- 476). همچنین در گشت و گذار دریایی سلطان با قایق و کشتی، همو مسئول محافظت از جان سلطان بود (شوکت، ۱۳۲۵: ۱/۵۹).

رسته‌ی دیگری که خارج از قاپی‌قولوها قرار داشت، ولی مشابه آنان به انجام وظیفه در حوزه‌ی تأمین امنیت و آسایش مردم می‌پرداخت، رسته‌ی نیروی دریایی زیر فرمان قپودان‌پاشا بود. تشکیلات بحریه‌ی عثمانی که گویا در سال ۷۶۳ق. در گلیپولی (= گالیپولیس) ایجاد شده بود (شکری، ۱۳۲۸: ۵)، به مرور زمان توسعه یافت و مقاماتی نظیر رئیس (فرمانده کشتی) و دریابگی (فرمانده رئیس‌ها و والی مناطق ساحلی)، در آن به فعالیت پرداختند. در عصر مراد دوم (حک: ۸۲۲-۸۵۵ق.)، ساختار قوه‌ی بحریه توسعه یافت و قپودان<sup>۱</sup> به جای رئیس، و قپودان‌دریا به جای دریابگی رواج یافت. به مرور زمان، لقب پاشا جایگزین گردید و قپودان‌دریا، قپودان‌پاشا خوانده شد (شکری، ۱۳۲۸: ۱۴۲؛ شوکت، ۱۳۲۵: ۱/۴۶). قپودان‌پاشا، عالی‌ترین امیر بحریه‌ی عثمانی و فرمانده کل نیروی دریایی عثمانی و ترسانه (مرکز ساخت کشتی) بود (Uzunçarşılı, 1988 b: 414; Marsilli, 1934: 148- 149). امور انتظامی نیروی دریایی زیر فرمان او و توسط یک قاضی رسیدگی می‌شد (Uzunçarşılı, 1988 b: 417)؛ نیز تأمین امنیت و آسایش مردم محلات قاسم‌پاشا و گالاتا که به مرکز اداری نیروی بحریه نزدیک بودند، برعهده‌ی قپودان‌پاشا بود (Pakalın, 1971: 2/320). سه بخش از قاپی‌قولوهای فعال در عرصه‌ی انتظامی یعنی جبه‌جیان، توپچیان و بوستانچیان در کنار منصب قپودان‌پاشا، به شکل محدود و منحصر به مرکز استقرار رسته‌های خود فعالیت داشتند؛ اما در این میان، دسته‌ی دیگری به نام ینی‌چریان فعال بودن که به شکل چشمگیر و گسترده بر بخش‌های انتظامی چیره گشتند.

#### ۴. استیلا‌ی ینی‌چریان بر امور انتظامی و امنیتی عثمانی

«ینی‌چری» برگرفته از ینی (= نو، تازه) و چری (= سپاه) است که در معنی «سپاه نو» با تأثیرپذیری از آداب بکتاشیه، به احتمال، از دوره‌ی مراد دوم در امور نظامی عثمانیان به کار گرفته شد (جوادپاشا، ۱۲۹۹: ۱/۳۳؛ وفیق‌بک، ۱۳۲۸: ۱/۲۷۱؛ قوچی‌بک، ۱۲۷۷: ۷؛ Uzunçarşılı, 1988 a: 1/ 44; Hezarfen, 1998: 143- 144). سه بخش ینی‌چریان را «یایابکلر» (جماعت/ سرپیادگان) دربردارنده‌ی اورته‌ی شصت و پنج، «سگبان» دربردارنده‌ی اورته‌ی سی و چهار، و «آغابلوکلر» (بلوکباشی/ بلوکلی) دربردارنده‌ی اورته‌ی شصت و یک، تشکیل می‌دادند (شوکت، ۱۳۲۵: ۱/۳؛ Hezarfen, 1998: 144; Marsilli, 1934: 74). یایاباشی‌ها اولین اورته‌های اوجاق‌ینی‌چری را تشکیل می‌دادند (Uzunçarşılı, 1988a: 1/ 156-157)، و در بخش آغابلوک‌ها نیز مقاماتی نظیر «باش‌بلوکباشی»، «کتخدا»، «کتخدا یری» (=جانشین کتخدا)، «محضرباشی» و... حضور داشتند

<sup>۱</sup> برگرفته از واژه کاپی‌تانو (capitano) ایتالیایی (شاول، ۱۳۷۰، ۲۳۳/۱).



(Uzunçarşılı, 1988a: 1/173). سگبانان نیز دسته‌ای بودند که پیشتر در بخش شکار دربار ایفای وظیفه می‌کردند (برای اطلاعات تکمیلی، نک، حضرتی و بابائی، ۱۳۹۰: ۹۷-۱۱۱)، اما در دوره محمد فاتح برای مهار شورش‌های ینی‌چریان، به عنوان شصت و پنجمین اورته ینی‌چریان به آنها افزوده شدند (Ibid, 1/ 162). نیز، برای آشنایی با شورش‌های فراوان ینی‌چریان در عصر ۲۵ سلطان عثمانی، نک: جوادپاشا، ۱۲۹۹: ۲۱۸/۱-۲۷۴). ینی‌چری‌ها در سال ۱۲۴۱ق/۱۸۲۶م. از میان برداشته شدند.<sup>۱</sup>

#### ۴. ۱. ینی‌چری‌آغاسی و انجام وظایف انتظامی و امنیتی

فرماندهی و ریاست ینی‌چریان را «ینی‌چری‌آغاسی» یا آغای ینی‌چریان بر عهده داشت که پنجاه و ششمین اورته از آن وی بود (جوادپاشا، ۱۲۹۹: ۱۵/۱). این مقام که به نوعی قدرتمندترین مقام نظامی عثمانیان به شمار می‌آمد، تا آغاز قرن دهم هجری از میان ینی‌چریان برگزیده می‌شد؛ اما با افزایش شورش‌های ینی‌چریان که زیر نظر ینی‌چری‌آغاسی انجام می‌شد و بنیان تاج و تخت عثمانیان را متزلزل می‌ساخت، رویه‌ی انتخاب سرکرده از میان افراد معتمد دربار و مورد وثوق سلطان در دستور کار قرار گرفت؛ چرا که غالباً بقای سلطان به حمایت ینی‌چری‌آغاسی بستگی داشت (Uzunçarşılı, 1988a: 1/177; Marsilli, 1934: 76). او علاوه بر رسیدگی به همه‌ی امور مربوط به ینی‌چریان و فرماندهی آنان، امور انتظامی متعددی نظیر انتظام نیروهای قلاع و استحکامات، بازدید از کوچه‌ها و اصناف، تنبیه متخلفان و مجرمان و همراهی وزیر اعظم در آتش‌سوزی‌ها رسیدگی می‌کرد (Uzunçarşılı, 1988a: 1/187, 188). همچنین، او در هفته، دو یا سه بار، شب یا روز در خیابان‌ها و بازار استانبول به گشت‌زنی<sup>۲</sup> می‌پرداخت و خاطیان را تأدیب می‌کرد. از این رو، همواره گروهی از فلک‌ه‌چیان، او را در راه تأمین امنیت و آسایش و مجازات بزه‌کاران همراهی می‌کردند (شوکت، ۱۳۲۵: ۴۷/۱؛ جوادپاشا، ۱۲۹۹: ۱۷/۱، ۱۹). در این گشت‌زنی‌ها، در صورت بازداشت بزه‌کاران، آنان را به پادگان‌هایی از ینی‌چریان ارجاع داده می‌شد و در آنجا مجازات می‌شدند و اگر خاطی، غیر نظامی بود، جهت مجازات از صدراعظم کسب اجازه می‌شد. نیز، در صورتی که حکم فرد خاطی غیر نظامی اعدام بود، باید از صدراعظم یا سلطان، دستور گرفته می‌شد (Uzunçarşılı, 1988a: 1/187). مشابه گشت‌زنی ینی‌چری‌آغاسی، چهار یا یاباشی و چهار بلوکباشی نیز هر شب هفته (به جز جمعه)، به گشت‌زنی در معابر می‌پرداختند و متهمان و مجرمان بازداشتی را جهت تعیین تکلیف به سرای ینی‌چری‌آغاسی یا آغاقپوسی<sup>۳</sup> می‌بردند. گشت‌زنی آنان، صرا قولی<sup>۴</sup> نام داشت (Ibid, 1/323).

#### ۴. ۲. قول‌کنخداسی و انجام وظایف انتظامی و امنیتی

مهم‌ترین مقام ینی‌چریان پس از ینی‌چری‌آغاسی، «قول‌کنخداسی»<sup>۵</sup> بود که «اوجاق‌کنخداسی» و «کنخدا بک» نیز خوانده می‌شد

<sup>۱</sup> برای اطلاع بیشتر از روند برچیده شدن ینی‌چریان، نک. اسعد افندی، ۱۲۳۷.

<sup>۲</sup> به گشت‌زنی‌هایی که در آن به تأمین امنیت و آسایش مردم و مجازات خاطیان پرداخته می‌شد، قوله‌چیقماق (kola çıkmak) یا قول‌گزمک (kol gezmek) گفته می‌شد (pakalın, 1971: 2/ 288, 289). در صورتی که این گشت‌زنی‌ها به شکل سواره‌نظام انجام می‌شد، قوله‌بی‌نمک (kola binmek) خوانده می‌شد (pakalın, 1971: 2/ 287).

<sup>۳</sup> Ağa kapusu

<sup>۴</sup> Sıra kolu، به معنی دسته ردیف‌شده.

<sup>۵</sup> Kul kethudası، کنخدا برگرفته از کدخدای فارسی، در مفهوم «معاون» استفاده می‌شد.

(شوکت، ۱۳۲۵: ۱/ ۵۵-۵۶؛ جوادپاشا، ۱۲۹۹: ۲۱/۱؛ ۲/ 317: Pakalın, 1971). او که معاون ینی چری آغاسی محسوب می‌شد، مهم‌ترین مسئول چینش سپاهیان در نبرد بود و از این رو، «ریاست ارکان حربیه» را بر عهده داشت (جوادپاشا، ۱۲۹۹: ۲۱/۱). او از سوی ینی چری آغاسی، عامل اجرایی در ضبط و ربط و انتظام امور مربوط به اوجاق ینی چریان بود (جوادپاشا، ۱۲۹۹: ۲۱/۱؛ Marsilli, 1934: 76). یکی از وظایف مهم این مقام، رسیدگی به امنیت ایالات و محلات بود که به واسطه‌ی گروه‌هایی به نام یساقچی و یا قوللقجی انجام می‌گرفت.

یساقچیان<sup>۱</sup> گروهی از ینی چریان بودند که دو وظیفه‌ی اصلی را برعهده داشتند. شماری به عنوان محافظ سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های دول خارجی ایفای وظیفه می‌کردند که البته پس از تنظیمات، انجام این وظیفه به قواص<sup>۲</sup> ها<sup>۳</sup> واگذار شد (Pakalın, 1971: 3/ 606). وظیفه‌ی دیگر یساقچیان این بود که اگر مردمان شهرها و قصبات نیازمند تأمین امنیت بودند، از میان ینی چریان، گروهی تحت عنوان یساقچی، انتخاب و اعزام می‌شدند. اینان به مدت نه ماه توسط قول کتخداسی تعیین می‌شدند. موجب اینان، توسط مردم شهر یا قصبه تأمین می‌شد و قول کتخداسی از آنان وجهی را دریافت می‌کرد (Uzunçarşılı, 1988 a: 1/ 324). عنوان یساقچی گاه به قوللقجیان<sup>۳</sup> نیز اطلاق می‌شد. غالباً مأمورینی که در ایالات به تأمین امنیت و آسایش مردم اشتغال داشتند، قوللقجی نام گرفته بودند که گاه دامنه‌ی وظایف آنان، استانبول را نیز شامل می‌شد (Uzunçarşılı, 1988a: 1/197; Pakalın, 1971: 2/319). قوللقجیان در اصل از افراد ینی چری حاضر در مکانی به نام «قوللق» بودند (Pakalın, 1971: 2/320). در عصر عثمانی به ایستگاه‌های پلیس و نیروی انتظامی عثمانی که به شکل قلعه یا پادگان بود، قوللق گفته می‌شد که بعدها، نام «کاراکول» به خود گرفت. هدف از ایجاد این مراکز در شهرها و قصبات، تأمین امنیت آن مناطق بود (Pakalın, 1971: 2/319).

قوللقجیان به دو بخش قوللقجیان استانبول و قوللقجیان طشهر<sup>۴</sup> یا ایالات تقسیم می‌شدند. امور آنان، زیر نظر قول کتخداسی رسیدگی می‌شد (Pakalın, 1971: 2/319). عموماً حکومت موظف به استخدام و اعزام قوللقجیان نبود؛ بلکه هر منطقه یا شهر یا قصبه‌ای که نیازمند مراقبت بود، جهت جذب قوللقجی، درخواستی ارسال می‌کرد. قول کتخداسی با ارسال مکتوبی، قوللقجی یا یساقچی را تعیین کرده و اعزام می‌داشت و در صورت دفع خطر و تثبیت اوضاع، به دستور قول کتخداسی، وظیفه‌ی قوللقجیان ملغی می‌شد (Pakalın, 1971: 2/320). این گروه، اغلب از میان سالمندان ینی چریان گزینش و اعزام می‌شدند و استخدام جوانان به سبب اینکه غالباً منجر به آزار مردمان می‌شد، توصیه نمی‌شد (Uzunçarşılı, 1988a: 1/197). قوللقجیان استانبول به شکل سه ماهه، و قوللقجیان ایالات هر نه ماه یک بار موجب دریافت می‌کردند که این موجب در ازای تأمین امنیت از مردم منطقه جمع‌آوری می‌شد؛ و مقاماتی همچون قول کتخداسی و کاتبان وی از این موجب سهم می‌بردند (Uzunçarşılı, 1988a: 1/ 196-197; Pakalın, 1971: 2/319).

#### ۳. ۴. محضرآغا و انجام وظایف انتظامی و امنیتی

<sup>۱</sup> Yasakçılar، یاساق/یساق، به معنی قانون و ممنوعیت، یساقی/یساقچی، در لغت به معنی مسئول انتظام.

<sup>۲</sup> Kavaslar، نامشان برگرفته از قوس (=کمان) است، اما به شکل نادرست قواص نیز در منابع آورده شده و بسامد بیشتری دارد.

<sup>۳</sup> Kullukçılar، قوللق به معنی بندگی کردن، که در مفهوم «محافظت» استفاده می‌شد.

<sup>۴</sup> Taşra

یکی دیگر از سرکردگان ینی‌چریان که در امور انتظامی فعال بود، محضرآغا یا محضرباشی<sup>۱</sup> نام داشت. این مقام که از دسته‌ی آغابلوک‌ها بود و با وجود تصاحب بلوک‌های ۲۶،۲۷ و ۳۴، پایگاه معینی نداشت (Uzunçarşılı, 1988 a: 1/ 208; Marsilli, 1934: 77). از وظایف انتظامی این مقام می‌توان به این موارد اشاره کرد: انتظام امور دیوان همایون و دیوان وزیر اعظم، اعزام متهمان و خاطیان ینی‌چری به اورته‌های خود جهت مجازات، محافظت از وزیر اعظم و تعیین تفنگچیان همراه وزیر اعظم که مسئول حفظ جان‌شان بودند (جوادپاشا، ۱۲۹۹: ۱/ ۲۲؛ Pakalın, 1971: 2/ 572; Uzunçarşılı, 1988 a: 1/ 209). یکی از مهم‌ترین وظایف محضرآغا این بود که هنگام گشت‌زنی وزیراعظم در بازار و خیابان، او را همراهی می‌کرد و ضمن اجرای اوامر وزیر اعظم، مسئولیت مجازات خاطیان آن روز را بر عهده داشت (Uzunçarşılı, 1988 a: 1/ 209; Pakalın, 1971: 2/ 572). در اجرای احکام مجازات‌ها، ۶۰ ینی‌چری به نام «قیوکھیالاری»<sup>۲</sup> زیر نظر باش‌قیوکتخداسی، محضر آغا را همراهی می‌کردند که ۵ نفر از آنان، فلقه‌جی/ فلقه‌چی<sup>۳</sup> خوانده می‌شدند (Uzunçarşılı, 1988 a: 1/ 202).

فلقه‌چیان، یکی از گروه‌هایی بودند که علاوه بر محضرآغا، ینی‌چری‌آغاسی را نیز در امور انتظامی و امنیتی همراهی می‌کردند. نام فلقه‌چی از ابزاری به نام فلقه یا فالاقا در میان ترکان (=فلک در فارسی) گرفته شده بود که برای تنبیه طلاب مکتب‌خانه‌ها و یا بزه‌کاران به کار برده می‌شد و متشکل از چند چوب بود که پاهای خاصی را در آن قرار داده، به کف پایش تازیانه یا چوب می‌زدند. این ابزار متناسب با شدت مجازات در سه نوع خفیف، سنگین و بسیار سنگین ساخته می‌شد (Pakalın, 1971: 1/ 586). فلقه‌چیان در دو گروه فعالیت می‌کردند. گروهی در گشت‌زنی‌های صدر اعظم به همراه جلادها برای رسیدگی به جرایم حضور داشتند و با فلقه، به مجازات خاطیان می‌پرداختند. گروه دیگر که از عجمی‌اوغلان‌ها بودند، ینی‌چری‌آغاسی را در گشت‌زنی‌ها و تفتیش محلات همراهی می‌کردند و ضمن حمل فلقه، به مجازات مجرمان دست می‌زدند (شوکت، ۱۳۲۵: ۱/ ۵۱؛ Pakalın, 1971: 1/ 586; Uzunçarşılı, 1988 a: 1/ 187- 188). نظارت بر هر دو گروه بر عهده‌ی فلقه‌جی‌باشی بود که دارای بالاپوش سبز و شلوار سرخ و چکمه‌ی زرد بود و دستاری سفید بر سر می‌گذاشت (Pakalın, 1971: 1/ 586).

گروه دیگری که زیر فرمان محضرآغا به امور انتظامی می‌پرداختند، حربه‌جیان<sup>۴</sup> نام داشتند. اینان که پنجاه و ششمین اورته‌ی ینی‌چریان را در دست داشتند، وظیفه‌ی جلب و بازداشت و شکنجه‌ی مجرمان و نیز تحویل آنان به مراکز مربوطه اعم از اورته‌ها، زندان‌ها و یا دایره‌ی استنطاق را بر عهده داشتند. این گروه، ضمن پوشیدن پوست پلنگ و حمل تبر، چاقوی کوچک بُرنده‌ای در دست می‌گرفتند که حربه نام داشت و تسمیه‌ی این گروه به حربه نیز بدان سبب بود (شوکت، ۱۳۲۵: ۱/ ۷۲؛ Pakalın, 1971: 1/ 737). غالب فعالیت اینان در گشت‌زنی‌های ینی‌چری‌آغاسی بود (شوکت، ۱۳۲۵: ۱/ ۷۲). پس از الغای ینی‌چریان، به جای محضرآغا، طومروق‌آغا نصب گردید و اموری که حربه‌جیان انجام می‌دادند به عهده‌ی گروه «قَوَّاس/ قواص» نهاده شد (شوکت، ۱۳۲۵: ۱/ ۷۲؛ Pakalın, 1971: 1/ 511; Uzunçarşılı, 1988 a: 1/ 211).

<sup>۱</sup> Muhzır ağa/ Muhzırbaşı، به معنی «حاضرکننده در محکمه» بوده که همانند بسیاری از اصطلاحات ینی‌چریان دچار تغییر شده است.

<sup>۲</sup> Kapukahyalari، که شکل عامیانه شده کدخدا است و این عنوان با معنی لغوی «کدخداهای دربار»، صرفاً نام خاص گروهی از این نظامیان بوده است.

<sup>۳</sup> Falakacı

<sup>۴</sup> Harbeciler

#### ۴. ۴. صالمة چوققداری و انجام وظایف انتظامی و امنیتی

از دیگر مقامات ینی چریان فعال در حوزهی انتظامی، صالمة چوققداری<sup>۱</sup> بود. این مقام که وظیفه‌ی شناسایی و یافتن مجرمان با لباس‌های مبدل در طول شبانه‌روز را بر عهده داشت، حدود ۲۰ نفر زیردست تحت عنوان «صالمة نفری<sup>۲</sup>» در اختیار داشت. غالب وظیفه‌ی اینان، گردش در بازار و محلات پر رفت‌وآمد، منع افراد از استعمال دخانیات، جلوگیری از قماربازی و دیگر منهیات و در صورت لزوم، بازداشت و تحویل مجرمان به «قوللق» (= پادگان) بود (شوکت، ۱۳۲۵: ۵۷/۱؛ Pakalın, 1971: 3/105). همچنین توقیف‌خانه و حبس‌خانه‌ای به نام «صالمة طومروق<sup>۳</sup>» به شکل اختصاصی در اختیار آنان بود که متهمان را تا زمان تعیین وضعیت، در آنجا نگهداری می‌کردند (Pakalın, 1971: 3/105). صالمة نفری‌ها، وظایف مشابه نهاد احتساب در دیگر حکومت‌های مسلمان را بر عهده داشتند. هدایت صاحبان اصناف و سایر مردم برای ادای نماز، جستجوی مودبانه‌ی ینی چریانی که به شکل موجه محل کار خود را ترک کرده بودند، جلوگیری از ازدحام در حمام‌ها، دفع و منع حضور فاحشگان در قبرستان و محلات، آگاه‌سازی امیران ینی چری از سوانح روز و رسیدگی به جرائم نظامیان از جمله تعقیب آنان در زمره‌ی وظایف اینان بود (شوکت، ۱۳۲۵: ۵۷/۱؛ Pakalın, 1971: 3/105).

مشابه صالمة چوققداری، بوجک‌باشی<sup>۴</sup> نیز در امور انتظامی، به فعالیت اشتغال داشت که به نوعی «ضابط خفیه» یا پلیس مخفی نیز به شمار می‌آمد. از این رو، در میان زیردستان او مأموران زن نیز به عنوان مأمور مخفی فعالیت می‌کردند. غالب افراد زیردست او را مجرمان توبه‌کار تشکیل می‌دادند تا بتواند به راحتی در تشکیلات گروه‌های بزه‌کار نفوذ کنند (شوکت، ۱۳۲۵: ۶۱/۱؛ Pakalın, 1971: 1/242). دیگر وظیفه‌ی اینان، مجازات مجرمان بود. آنان، مجرمان را متناسب با جرائمشان به آقا قپو (= درگاه ینی چری آغاسی) یا زندان باباجعفر استانبول اعزام می‌کردند. نیز متناسب با جرم مجرمان، وظیفه‌ی بریدن اعضای بدن متخلفان را عهده‌دار بودند؛ و در صورت تکرار، وظیفه‌ی صلب و اعدام نیز توسط آنان اجرا می‌شد (شوکت ۱۳۲۵: ۶۱/۱؛ Pakalın, 1971: 1/242).

#### ۴. ۵. گروه‌ها و مقامات فرو رتبه‌ی ینی چریان و انجام امور انتظامی

در ایالات و خارج از استانبول نیز به شکل محدود، می‌توان ینی چریانی را برشمرد که در حوزه‌ی امور انتظامی فعال بوده‌اند. یکی از وظایف ینی چریان، محافظت از قلاع بود و در زمان ایفای این وظیفه، بدان‌ها نوبتچی<sup>۵</sup> یا دزدار<sup>۶</sup> گفته می‌شد و شمارشان متناسب با اهمیت قلاع و وضعیت منطقه، متغیر بود. این وظیفه که مهم‌ترین مسئولیت ینی چریان خارج از استانبول تلقی می‌شد، به نوبت و به مدت سه سال ایفا می‌شد (Uzunçarşılı, 1988a: 1/325, 328; Pakalın, 1971: 2/705; Hezarfen, 1988). مواجب نوبتچیان قلاع، توسط سرکرده‌ی آنان که یایاباشی نام داشت، تأمین و توزیع می‌شد (Uzunçarşılı, 151-152).

<sup>۱</sup> Salma Çuhadarı، صالمة از مصدر صالمق، به معنی رها کردن و قرار دادن و چوققدار، از کلمه چوخه‌دار به معنی «کسی که چوخه بر تن می‌کند»، بر گرفته شده است.

<sup>۲</sup> Salma neferi

<sup>۳</sup> Salma Tomruk

<sup>۴</sup> Böcekbaşı، بوجک به معنی حیوان کوچک یا حشره و یا آفت است که می‌تواند با سیاق وظایف مخفیانه این گروه در ارتباط باشد.

Böcekbaşı

<sup>۵</sup> Nöbetçi

<sup>۶</sup> Dizdar

1988a: 1/ 326). گروه دیگری از ینی چریان نیز در زمان صلح به نوبت از دیوان همایون محافظت می‌کردند که آنان نیز نوبتچی خوانده می‌شدند (Uzunçarşılı, 1988 a: 1/ 320).

از مقامات جزئی ینی چریان فعال در امور حوزه‌ی انتظامی ایالات، می‌توان به «ینی چری سرداری» اشاره کرد که امور انتظامی و نیز مجازات ینی چریان ایالات را در دست داشت؛ این وظیفه بدان سبب بدو سپرده شده بود که والیان و سنجاق‌بیگی‌ها، حق مجازات ینی چریان را نداشتند (Uzunçarşılı, 1988 a: 1/ 359). مشابه این مقام، «قیر سرداری» یا «قیر آغاسی»<sup>۱</sup> بود که در ایالات به خصوص در روستاها و مسیر راه‌ها، مسئول حفظ امنیت و سرکوب راهزنان بود. نیز «قیر سگبانی»<sup>۲</sup>ها یا «قیر سیمنی»<sup>۳</sup>ها، از رسته‌ی سگبانان ایالتی بودند که به محافظت از محصولات کشاورزان در فصل تابستان اشتغال داشتند که البته در قرون دهم و یازدهم هجری به جرگه‌ی راهزنان پیوستند (حضرتی و بابائی، ۱۳۹۰: ۱۰۷؛ Pakalın, 1971: 2/ 271). گروه دیگری از ینی چریان که نوزدهمین اورته‌ی آغابلوک‌ها را در اختیار داشتند، بک‌چیان<sup>۴</sup> (= محافظ) بودند که وظیفه‌ی مراقبت از محلات و روستاها را بر عهده داشتند (Uzunçarşılı, 1988 a: 1/170). گروهی از اینان در باغ‌ها فعال شدند که «باغ بکچیسی» خوانده می‌شدند. در روم‌ایلی، به باغ‌بکچیسی‌ها، پانداز<sup>۵</sup> و به بکچی محله، پازوانت گفته می‌شد (Pakalın, 1971: 1/196) که واژه‌ی اخیر از پاسبان فارسی گرفته شده است (Pakalın, 1971: 2/756, 765).

دیگر مقامی که از میان ینی چریان به انجام امور انتظامی اشتغال یافته بود، عسس‌باشی<sup>۶</sup> بود. دسته‌ی عسس‌های زیر فرمان او - که مسئول تأمین آسایش مردم بودند-، گویا به دست سلطان محمد فاتح در میان ینی چریان ایجاد شد و غالب فعالیت آنان، جلوگیری از ازدحام در شهرها و مجازات افراد نظامی بود (اولیاچلی، ۱۳۱۴: ۱/ ۵۱۷؛ Pakalın, 1971: 1/ 93). فرمانده عسس‌ها، عسس‌باشی نام داشت که فرمانده بیست و هشتمین اورته از ینی چریان، از آن او بود. او هر شب تا صبح به همراه عسس‌های زیردستش به گشت‌زنی در بازار و محلات می‌پرداخت و علاوه بر مجازات مجرمان، افراد مشکوک را به نهادهای مربوطه ارجاع می‌داد (شوکت، ۱۳۲۵: ۶۰/۱؛ Uzunçarşılı, 1988a: 1/170; Pakalın, 1971: 1/93). نیز او به همراه صدراعظم در روزهای جمعه به مسجد جامع می‌رفت و به انتظام امور آنجا رسیدگی می‌کرد (شوکت، ۱۳۲۵: ۶۱/۱؛ Pakalın, 1971: 1/93). همچنین او ضمن اینکه از مدیران زندان‌های استانبول و طومروق<sup>۷</sup>ها بود، به عنوان یکی از فعالین در اعدام خاطیان انجام وظیفه می‌کرد (شوکت، ۱۳۲۵: ۶۱/۱؛ Uzunçarşılı, 1988 a: 1/ 170).

<sup>۱</sup> «قیر» در مفهوم قریه یا شهرهای خارج از مرکز حکومت و مناطق سرحدی عثمانی گفته می‌شد و بسیاری از مقامات روستاها و شهرهای دورافتاده، با پیشوند «قیر» آورده شده‌اند. از آن میان، قیر سرداری به معنی سردار ایالتی و قیر آغاسی، به معنی آقای یا مسئول ایالتی بوده است.

<sup>۲</sup> Seymen، شکل تغییر یافته‌ی سگبان در میان عوام در دوره عثمانی بوده است.

<sup>۳</sup> Bekçi

<sup>۴</sup> Pandaz، اسم خاص رایج در میان عوام روم‌ایلی برای نگهبانان باغ.

<sup>۵</sup> Asesbaşı

<sup>۶</sup> Tomruk، طومروق ابزاری برای شکنجه و اعتراف‌گیری بوده که به مرور زمان در جایگاه محبس به کار رفت.

<sup>۷</sup> هنگام اعدام مجرم، عسس‌باشی ضمن ثبت نام مجرم در فهرست اعدامیان، به همراه اورته‌چاوشی او را به زندان باباجعفر تحویل می‌دادند. مجرم پس از نماز شب به دست جلاد، خفه و در کیسه قرار داده می‌شد. سپس به کیسه وزنه‌ای سنگ می‌بستند و در دریا غرق می‌کردند (Uzunçarşılı, 1988 a: 1/ 358-359).

که آشچی‌باشی نام داشت. آشچی‌باشی (=سرآشپز) به رغم بی‌ارتباطی عنوانش به امور انتظامی، در حوزه‌ی مدیریت زندان‌ها فعالیت داشت. این مقام در اصل، مسئول پخت و توزیع غذای ینی‌چریان بود و در مطبخ ینی‌چریان اشتغال داشت. با توجه به اینکه مطبخ، مکرراً به عنوان زندان موقت ینی‌چریان خاطی مورد استفاده بود، به مرور زمان آشچی‌باشی در جایگاه رئیس «حبس‌خانه» قرار گرفت و به عنوان زندان‌بان ایفای وظیفه کرد (شوکت، ۱۳۲۵: ۷۸/۱؛ جوادپاشا، ۱۲۹۹: ۲۶/۱؛ Pakalın, 1971: 1/ 99).

گفتنی است، شماری از گروه‌ها و مقامات نیز در امور امنیتی و انتظامی فعال بودند که خارج از دایره‌ی قاپی‌قولوها قرار داشتند. از میان این گروه‌ها، می‌توان به شاطران، محتسب و قوریجیان اشاره کرد. همراه ینی‌چری‌آغاسی، صدراعظم و شماری از مقامات عالی‌رتبه‌ی عثمانی، گروهی مسلح تحت عنوان شاطر حضور داشتند که ضمن محافظت از جان این مقامات، در صورت بروز عصیان و یا جرم از سوی مردم، جهت بازداشت آنان اقدام می‌کردند (شوکت، ۱۳۲۵: ۸۱/۱؛ جوادپاشا، ۱۲۹۹: ۱۹/۱). اینان که در همراهی با مقامات، سبب افزایش شکوه دسته نیز می‌شدند، زیر نظر شاطرباشی فعالیت می‌کردند، اما به سبب عدم لزوم حضورشان، بارها الغا و احیا شده بودند (Uzunçarşılı, 1988c: 444- 455). مقام خارج از ینی‌چریان که به عنوان محتسب مسئول امور احتساب بود، احتساب‌آغاسی نام داشت که غالباً بر رسیدگی به امور بازار، اصناف، قیمت‌ها و جلوگیری از ارتشا تمرکز داشت که البته پس از ۱۲۴۲ق، با تبدیل به «احتساب ناظری»، قدرت گرفت که خارج از حیطه‌ی زمانی پژوهش حاضر است (Pakalın, 1971: 41- 40/2). از دیگر مقامات خارج از دسته‌ی قاپی‌قولوها، قوریجی‌ها بودند که نامشان برگرفته از قوروماق<sup>۱</sup> به معنی مراقبت و نگهداری است و مأموران محافظ جنگل‌ها، مراتع، آبراه‌ها، بستان‌ها و نظایر اینها بودند که زیر فرمان قوریجی‌باشی فعالیت می‌کردند (Uzunçarşılı, 1988 a: 1/ 296, 441, 444).

### نتیجه‌گیری

نیروهای قاپی‌قولو که در دو دسته‌ی سواره و پیاده چینش یافته بودند، از عناصر اصلی قدرت‌افزایی عثمانیان بودند. از دسته‌های زیر مجموعه‌ی این نیروها، دسته‌ی پیاده‌نظام به همان شکل که در عرصه‌ی نظامی اقتدار بیشتری را به نمایش گذارده بود، و سبب کنارزده شدن نیروهای مسلم و یایای عثمانی شده بود، در حوزه‌ی انتظامی نیز با کنار زدن دیگر گروه‌ها، نقش‌آفرین اصلی عرصه‌ی انتظامی و امنیتی عثمانی شد. قاپی‌قولوها، در این حوزه در دو شکل اصلی به نقش‌آفرینی پرداختند. گروهی همچون جبه‌جیان، توپچیان و بوستانچیان، مسئول حفظ و حراست و انجام امور انتظامی اماکن و محلات مجاور مرکز استقرار خود بودند؛ و از این طریق، مانع نفوذ دیگر گروه‌ها به قلمرو اداری و اجرایی خود می‌شدند که البته وظایفشان محدود به همان مناطق بود و در این زمینه، اقتدارشان از استانبول فراتر نمی‌رفت. اما دسته‌ی ینی‌چریان، به شکل همه‌جانبه وارد عرصه‌ی تأمین امنیت و حراست و انتظام امور پایتخت و بعضاً ایالات شده بود. ینی‌چریان انجام این وظایف را از طریق صاحبان مناصب عالی‌رتبه‌ی خود و زیردستانشان پیش می‌بردند. در رأس این مقامات، ینی‌چری‌آغاسی -سردسته‌ی ینی‌چریان- قرار داشت که به همراه گروه‌های زیر فرمانش به تأمین امنیت، حراست و حتی مجازات خاطیان دست می‌زد. دو مقام عالی‌رتبه‌ی دیگر ینی‌چریان، قول‌کتخداسی و محضرآغا بودند که مقام نخستین به همراه یساقچیان و قوللقچیان به تأمین امنیت و انتظام استانبول و ایالات دست می‌زد و محضرآغا به همراه فلقه‌چیان و حربه‌جیان، وظایف انتظامی خود را به انجام می‌رساند. همچنین، مقام صالحه‌چوقداری با وظایف اطلاعاتی و جاسوسی و امنیتی در ساختار

<sup>1</sup> korucu

<sup>2</sup> korumak

انتظامی استانبول و ایالات فعال بوده است. گروه‌ها و مقامات دیگری از ینی‌چریان نیز در امور انتظامی فعال بودند که دارای اهمیت و رتبه‌ی پایین‌تری بودند. گروه‌ها و مقاماتی همچون نوبتچیان، دزداران، بکچیان، ینی‌چری‌سرداری، قیرسرداری، قیرسگبانی، عسس‌باشی و آشچی‌باشی در استانبول و ایالات به انجام امور انتظامی اشتغال داشتند. بر این اساس، در پاسخ به پرسش اصلی این پژوهش می‌توان بیان کرد که قاپی‌قولوها به عنوان نیروی تمامیت‌خواه و انحصارطلب عثمانی، علاوه بر استیلا بر ساختار نظامی و کنار زدن رقبا، در حوزه‌ی انتظامی نیز کنش مشابهی داشتند و با حضور همه‌جانبه، به خصوص از سوی دسته‌ی ینی‌چریان، ضمن کنار زدن فعالان پیشین این حوزه، و به انزوا کشاندن آنان، بر غالب جوانب انتظامی و امنیتی عثمانی با تأکید بر پایتخت، استیلا یافتند.

## منابع

- اسعد افندی، محمد (۱۲۳۷ق). اُس ظفر، بی‌جا: مطبعه سلیمان افندی.
- اوزون چارشیلی، اسماعیل حقی (۱۳۸۰). تاریخ عثمانی، ترجمه وهاب ولی، ج ۱، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اولیاچلیبی، محمدظلی بن درویش (۱۳۱۴ق). سیاحتنامه، طابعی احمد جودت، ج ۱، استانبول: اقدام مطبعه سی.
- بابائی، طاهر (۱۴۰۱). «ضبطیه»، دانشنامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی، ج ۳۰، صص ۳۲۱-۳۲۲.
- جوادپاشا، احمد (۱۲۹۹ق). تاریخ عسکری عثمانی، استانبول: قرق انبار مطبعه سی.
- حضرتی، حسن و طاهر بابائی (۱۳۹۰ش). «تحولات سگبانی در دیوانسالاری عثمانی»، دوفصلنامه تاریخ و تمدن اسلامی، ش ۱۴، صص ۹۷-۱۱۱.
- سامی، شمس‌الدین (۱۳۷۱ق). قاموس ترکی، چاپ احمد جودت، ج ۲، بی‌جا: مطبعه اقدام.
- شاو، استانفورد. ج (۱۳۷۰ش). تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید، ترجمه محمود رمضان زاده، ج ۱، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- شوکت، محمود (۱۳۲۵ق). عثمانلی تشکیلات و قیافت عسکریه‌سی، ج ۱، بی‌جا: مطبعه مکتب حربیه.
- شگری، محمد (۱۳۲۸ق). بحریه مزک تاریخچه سی، استانبول: مرتبین عثمانی مطبعه‌سی.
- عین‌علی افندی (۱۲۸۰ق). قوانین آل عثمان در خلاصه مضامین دفتر دیوان، بی‌جا: تصویر افکار.
- قوجی‌بک، [مصطفی]، (۱۲۷۷ق). رساله، بی‌جا: طبعخانه موسیو واطس.
- وفیق‌بک، عبدالرحمن (۱۳۲۸ق). تکالیف قواعدی، ج ۱، استانبول: مطبعه قدر.
- Açık, Turan (2016). "Osmanlı İmparatorluğu'nun 17. yüzyıldaki "alacakaranlığından" bir kesit: Trabzon subaşılarının yerelleşmesi". *Selçuk Üniversitesi Türkiyat Araştırmaları Dergisi*. No: 40, 135-149.
- Bektaş Öztaşkın, Özlem (2008). *XV-XVII. yüzyıllarda Osmanlı halkı*, Atatürk Üniversitesi Sosyal Bilimler enstitüsü İlk ilköğretim Ana bilim dalı, Doktora Tezi.
- Faroqhi, Suraiya (2004), "Yaya", *The encyclopaedia of Islam*, E. J. Brill, vol 11, 301.
- Hezarfen, Hüseyin Efendi (1998). *Telhisül-beyan fi kavanin-i Al-i Osman*, Hazırlayan Sevim İlgürel, Ankara: Türk Tarih Kurumu.

- İlgürel, Mücteba(2009). "Subaşı", *Türkiye Diyanet Vakfı İslam ansiklopedisi (TDVİA)*, İstanbul: Türkiye Diyanet Vakfı Yayınları İşletmesi, vol 37. 447-448.
- Pakalın, mehmet zeki(1971). *Osmanlı tarih deyimleri ve terimleri sözlüğü*, vol 1, 2, 3, İstanbul: Milli eğitim basımevi.
- Sofyalı Ali Çavuş (1992). *Sofyalı Ali Çavuş kanunnâmesi: Osmanlı İmparatorluğu'nda toprak tasarruf sistemi'nin hukukî ve mâlî müeyyede ve mükellefiyetleri*, haz. Midhat Sertoglu, İstanbul: Marmara universitesi.
- Uzunçarşılı, İsmail Hakkı(1988). *Osmanlı Devleti Taşkilatından Kapukulu Ocakları*, vol 1, 2, Ankara: Türk Tarih Kurumu.
- Uzunçarşılı, İsmail Hakkı(1988). *Osmanlı Devletinin Merkez ve Bahriye Teşkilatı*, Ankara: Türk Tarih Kurumu.
- Uzunçarşılı, İsmail Hakkı(1988). *Osmanlı Devleti'nin Saray Teşkilatı*, Ankara: Türk Tarih Kurumu.